

نقش توانایی مدیران در مدیریت ناکارآمد تاثیر اطلاعات حسابداری

آذر خدابنده و کیومرث بیگلر

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران،

Azar.khodabande@gmail.com

^۲ استادیار، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، Kumars.biglar@gmail.com

چکیده - افشای اطلاعات شرکتها همواره به صورت کامل و بی طرفانه در اختیار استفاده کنندگان قرار نمی گیرد و در بعد افشای اختیاری، مدیران بر اساس اقتضاء محیطی و انگیزه های مدیریت این اطلاعات را حذف، پنهان، غیر شفاف ارائه می کنند. این گونه فعالیتها را "مدیریت تاثیر اطلاعات" می نامند. هدف از "مدیریت تاثیر اطلاعات" ایجاد استنباطی در مخاطب است که وجهه مثبت تری از مدیریت را نشان می دهد و اگر واقعیت ها به وضوح گزارش داده می شود، برداشت های مخاطبان مطلوبیت کمتری می داشت. هدف این پژوهش بررسی نقش توانایی مدیران بر مدیریت تاثیر اطلاعات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از بعد روش شناسی از نوع پژوهش های توصیفی - همبستگی است. بدین منظور داده های مورد نیاز از ۷۹ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ جمع آوری گردیده است. نتایج پژوهش حاکی است، که توانایی مدیریت با مدیریت ناکارآمد تاثیر اطلاعات رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، توانایی مدیریت، مدیریت تاثیر غیر شفاف را فراهم مینماید زیرا که مدیران انگیزه نمایندگی دارند و ناکارآمدی در تاثیر بوجود می آورد که در اینصورت شرکت های توانا نیازی به غیر شفاف کردن گزارشات خود ندارند.

کلید واژه - اطلاعات حسابداری، توانایی مدیریت، مدیریت تاثیر، مدیریت ناکارآمد تاثیر اطلاعات.

برای انجام کارهای بزرگ تجهیز می شود. اداره این شرکتها به مدیران حرفه ای واگذاری می شود که لزوماً سهام زیادی را در تملک ندارند. همچنین همه سهامداران نیز به نسبت یکسان سهام ندارند. در نتیجه مدیرانی باید این وظیفه را بر عهده بگیرند که دارای توانایی و مهارت کافی در زمینه اداره واحد تجاری باشند (رضایی و طاهرخانی، ۱۳۹۵).

معیار توانایی مدیریت، بخشی از کارایی شرکت است که تحت تأثیر عوامل ذاتی شرکت قرار نمی گیرد (بزرگ اصل و صالح زاده، ۱۳۹۳). مدیران دارای توانایی ذاتی بیشتر، قدرت درک و تحلیل بیشتری شرایط حال و آینده شرکت و صنعت دارند و در نتیجه، تخمین های آنها از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود. مدیران با

۱- مقدمه

ساده ترین و رایج ترین شکل واحدهای تجاری حالت تک مالکیتی است یعنی اینکه آن تجارت توسط یک نفر کنترل می شود و یک نفر صاحب آن است که آن را مالک می نامند. بشر، شرکتها را به خاطر کاهش هزینه ها و دفعات معاملات قالبی مناسب برای انجام فعالیت های اقتصادی یافت. برای انجام فعالیت های بزرگ، شرکت های سهامی را تأسیس کرد. شرکتها دارای چندین مالک شدند. چون همه مالکان توانایی اداره شرکتها را نداشتند، بحث تفکیک مالکیت از مدیریت پیش آمد. در این شرکتها سرمایه های خرد